

انواع نثر

انواع ادبی در قدیم در بیشتر سرزمینها به صورت شعر بوده است زیرا شعر پیش از نثر بوجود آمده است به این سبب ما داشتیم شعر حماسی، شعر نمایشی، شعر تعلیمی، شعر غنائی، شعر چوپانی و روستائی و غیره. ولی از قرون وسطی به بعد بخصوص پس از قرن هجدهم انواع ادبی به شکل نثر نیز ظاهر شد. مثلا رمان

ظهور کرد و به تدریج جانشین حماسه و بعضی از انواع دیگر شعر گردید و نمایشنامه‌ها هم به تدریج به صورت نثر درآمد تا جایی که امروز در اروپا و آمریکا شعر در برابر نثر عقب‌نشینی کرده و پایگاه نثر ادبی (رمان، نمایشنامه، داستان کوتاه) به مراتب بیش از شعر شده است.

انواع نثر در اروپا از قدیم‌ترین زمانها طبق تقسیم‌بندی که در کتاب سبک‌شناسی گیرو (ص ۱۶) آمده است چنین است:

نوع خطابی^۱ که اختصاص به خطابه و سخنرانی داشته و خود به اقسامی از قبیل دینی، قضائی و دادگاهی^۲، مدحی و تشریفاتی^۳، هجوی و غیره تقسیم می‌شده است.

نوع تاریخی^۴ که علاوه بر تاریخ شامل سالنامه‌ها^۵، وقایع‌نامه‌ها^۶ و خاطرات^۷ نیز می‌شده است. در قرون وسطی تاریخ منظوم نیز به چشم می‌خورد.

نوع داستانی^۸ - این قسم نثر حوادث جنائی یا عشقی یا احساسی را شرح می‌دهد که گاهی نمایشگر زندگی حقیقی است مانند رمانها و داستانهای واقع‌گرایانه بالزاک و فلوبر و گاهی نیز جنبه خیالی دارد مانند سمک عیار و بیشتر رمانهای قدیم فارسی. داستان منشور خود به اقسامی تقسیم می‌شود مانند رمان حوادث^۹، رمان روستائی و چوپانی^{۱۰}، رمان تحلیلی^{۱۱}، قصه^{۱۲}، داستان کوتاه^{۱۳}.

نثر داستانی اکنون مهمترین نوع ادبی اروپا و مهمترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد مانند آنچه از کتاب سبک‌شناسی نقل کردیم و مانند بعضی از اقسام دیگر که در قرون وسطی وجود داشته است که ما اینک به بعضی از نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم. از این قبیلند رمانهای درباری، رمان دولارز^{۱۴}، اسکندرنامه‌ها، رمانهای بریتانیائی، رمانهای آرتوری، رمانهای تریستان، زندگینامه‌ها^{۱۵}.

- | | | |
|---|----------------------------------|-----------------|
| 1. Le genre oratoire | 2. Judiciaire (فر) | 3. Demonstratif |
| 4. Le genre historique (فر) یا The historical genre (ا) | | |
| 5. Annale | 6. Cronique (فر) یا Cronicle (ا) | 7. Les Memoires |
| 8. Le genre romanesque | 9. Le roman d'aventure | |
| 10. Le roman pastoral | 11. Le roman d'analyse | 12. Le conte |
| 13. La nouvelle | 14. Le Roman de la Rose | |

ضمناً رمانهای منظوم نیز در قرون وسطی دیده می‌شود مانند اسکندرنامه‌های منظوم^۱ که در انگلیس نیز رواج داشته است.^۲

نوع تعلیمی که شامل معارف انسانی از قبیل فلسفه و علوم و نقد و غیره است.^۳ تقسیم‌بندی کتاب سبک‌شناسی یاد شده اگرچه طبق طبقه‌بندیهای معمول در فرانسه است چون برپایه ادبیات گذشته است دقیق و علمی نیست زیرا اولاً نثرهای تاریخی و شبه‌تاریخی را باید در شمار نثرهای تعلیمی درآورد ثانیاً باید جائی هم برای زندگینامه و سفرنامه و سیاحتنامه و مانند آنها در نظر گرفت ثالثاً نثر داستانی که برحسب صورت به داستان کوتاه و رمان و قصه تقسیم‌بندی شده است باید از لحاظ موضوعی نیز به داستان تعلیمی و غنائی و روستائی و غیره تقسیم شود. رابعاً در این کتاب به نوع مهم دیگری از نثر یعنی نمایشنامه که امروز پایگاه والائی در ادبیات جهان دارد اشاره نشده است.

بنابراین می‌توانیم نثر ادبی را از لحاظ صورت چنین طبقه‌بندی کنیم:
۱ - خطابه ۲ - داستان ۳ - نمایشنامه. نثر از نظر معنی باین اقسام تقسیم میشود:

نثر خطابه‌ای یا خطابی

نثر تعلیمی شامل تاریخ و وقایعنامه و زندگینامه و نمایشنامه و حکایت و سفرنامه و فلسفه و نقد و علوم. این نوع نثر گاهی جنبه ادبی ندارد.

نثر داستانی شامل رمان و داستان کوتاه و قصه که از لحاظ موضوعی میتواند به حماسی، شخصی (غنائی)، تعلیمی، پلیسی و غیره تقسیم شود.

نمایشنامه به شیوه قدیم شامل تراژدی، کمدی و درام و نمایشنامه به شیوه جدید. چنانکه دیدیم نمایشنامه از لحاظ موضوعی خود میتواند به انتقادی و اجتماعی و تعلیمی و غنائی (غنائی به مفهوم عام و به معنی شخصی نه به مفهوم قدیم آن) و چوپانی و روستائی و غیره تقسیم شود.

نثر ادبی فارسی - از اقسام چهارگانه نثر ادبی نوع اول و دوم و سوم در فارسی از قدیم بوده ولی نوع چهارم یعنی نمایشنامه را نداشته‌ایم و نوع اخیر تنها در همین قرن و تحت تأثیر ادبیات غرب بوجود آمده است ولی در مقابل مقامه

۱. همان کتاب ص ۵۷

۲. تاریخ ادبیات انگلیس نگارش دکتر صورتگر، ص ۱۳۳، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ شمسی.

۳. سبک‌شناسی گیرو، ص ۱۶.

و برخی از اقسام نثر در فارسی هست که در غرب دیده نمی‌شود و یا اگر دیده شود به قوت نوع فارسی آن نیست. در ادبیات عرب خطبه نیز که نوعی نثر خطاییست به چشم می‌خورد و در فارسی هم مجلس‌گوئی را نیز باید از این قسم شمرد از این قبیل است مجالس سعدی و مولانا. اینک اقسام نثر فارسی از لحاظ صورت:

نثر توأم با شعر - دیگر از جنبه‌های خاص نثر ادبی فارسی توأم بودن بعضی از اقسام آنست با شعر بطوری که گاهی شعر در نثر حل می‌گردد. این امر نیز بیشتر از خصائص نثر فنی است و نثر نوبسانی که به شعر استشهاد کرده‌اند غالباً موفق نبوده‌اند و آنکه بیشتر از همه نظم و نثر را با استادی و چیره‌دستی به هم آمیخته است سعدی است که گلستان او شاهکار است در ادبیات فارسی. از آنجائی که اشعار گلستان نیز از خود سعدی است هنرمندی او بیشتر نمایان می‌شود. اما چون این شعرها مانند سایر اشعار او در نهایت فصاحت و روانی و شیواییست عیب بعضی از قطعات متکلفانه گلستان را آشکار می‌کند. بخصوص در مقدمه گلستان که نظم در نهایت روانی و انسجام و زیباییست و نثر باتعقید و پیچیدگی توأمست. باری این اشعار نشان می‌دهد که شعر سعدی تاچه حد بر نثر وی برتری دارد و اگر ما نثر سعدی را عالیترین نثر آراسته و فنی می‌دانیم یکی بواسطه وجود همین اشعار روان و استوار آنست و دیگر بواسطه مقایسه آنست با آثار تکلف‌آمیز و معماوار دیگران و گرنه نثر متکلف و آراسته و فنی اگرچه بوسیله سعدی و نصرالله منشی هم نوشته شده باشد چندان مطلوب نیست و هیچوقت به پای شعر و نثر ادبی ساده نمی‌رسد. البته بعضی از جمله‌های گلستان و کلیله که در نهایت فصاحت و زیباییند و به صورت ضرب‌المثل درآمده‌اند از این حکم مستثنی هستند.

نثر شاعرانه یا نثر آراسته - نثر شاعرانه آنست که لطیف و شاعرانه و دارای ویژگیهای شعری باشد و گاهی نیز باسجع و موسیقی و صنایع ادبی توأم باشد مانند بعضی از قسمتهای گلستان و کلیله و نیز پاره‌ای از آثار صوفیان. ولی اگر سجع و صنایع ادبی این آثار از حد اعتدال خارج شود این نثرها دیگر جنبه ادبی ندارند و بدل به نثر متکلفانه و پیچیده و منحط و شبه ادبی می‌شوند مانند نثرهایی که به آنها اشاره خواهیم کرد. متأسفانه بیشتر نثرهای آراسته فارسی از حد اعتدال خارج شده و بدل به نثر شبه ادبی گردیده‌اند و فقط معدودی از آنها مانند کلیله و گلستان و آثار خواجه عبدالله و قائم مقام جنبه ادبی هم دارند. از اقسام این نوع نثر

نثر موزونست. مراد از نثر موزون بنا به تعریف استاد دکتر صفا: «نوعی از نثر آهنگ دار است که کلام به بندهای کوتاه و فقره‌هایی متساوی و قافیه‌دار یا بی قافیه منقسم می‌گردد و اگر آن بندها بلند و دارای هجاهای متعدد باشند در آنها رعایت «وقف» یا برش^۱ نیز می‌شود... اینگونه نثر را باید دنباله شعر هجائی^۲ قدیم ایران دانست که در دوره اسلامی هم مدتی متداول بوده و سپس جای خود را به شعر عروضی داده و با این حال در ادبیات عامیانه و در ادبیات شفاهی ولایتی نیز باقی مانده است و همچنین است در بعضی از مثلها مانند:

آتش چنان سوزد فتیله را که عداوت سوزد قبيله را
که از دو بند هجائی قافیه دار تشکیل می‌شود و مانند:

بد مکن که بد افتی چه مکن که خود افتی^۳

به نظر دکتر صفا نمونه نثر موزون علاوه بر آنچه دیدیم یکی نثر بعضی از صوفیان از جمله خواجه عبدالله است دیگر نثر مقامات حمیدی و نثر گلستانست که پژوهشگران آن را نوعی مقامه گفته‌اند.^۴

امروز بعضی مانند احمد شاملو نیز مدعی نوشتن نثر آهنگین هستند که آنرا شعر نیز می‌خوانند و معتقدند که نوشته‌هایشان دارای موسیقی درونیست ولی تاکنون درباره درستی یا نادرستی ادعای اینان تحقیق فنی و دقیقی نشده است و کسانی که می‌گویند اینگونه نوشته‌ها وزن دارند به شعار و فحش و سخنان تعصب-آلود بیشتر متکیند تا به منطق و تحلیل فنی این آثار. بهرحال درباره وزن و موسیقی اینگونه نوشته‌ها باید اشخاص بی‌نظر و دور از تعصبی در آینده پژوهش کنند زیرا بدون تحقیق کافی نه رد کردن قطعی ادعای هواخواهان آن درست است و نه پذیرفتن بدون چون و چرای آن.

1. Cesure

۲. مراد از شعر هجائی به نظر برخی از محققان ظاهراً شعریست که وزن دارد و گاهی دو مصراع آن نیز مساویست (مانند بد مکن که بد افتی...) و این وزن عروضی هم هست منتها از وزنهای عروضی رسمی نیست و میتوان آنرا وزن عروضی غیر رسمی باعامیانه نامید زیرا در زبانهای که هجاهای آن جنبه کمی دارد شعر همیشه کمی و عروضی است و شعر هجائی در آن غیر ممکن است بنا بر این بهتر است در زبان فارسی سخن از شعر هجائی که خاص زبانهای دیگر است به میان نیاوریم. مگر گاهی در زبان عامیانه.

۳. از گنجینه سخن، ص ۳۱، ج ۱.

۴. گنجینه سخن، از ص ۳۱ به بعد، ج ۱.

درباره حکایات و نثر طنزآمیز فارسی پس از این سخن خواهیم گفت.

نثر ادبی فارسی از نظر موضوع

نثر ادبی فارسی از لحاظ موضوع به انواعی تقسیم می‌شود که عبارتند از حماسی، عشقی و غنائی، تعلیمی که خود شامل موضوعات روانشناسی، اجتماعی و انتقادی نیز می‌شود.

نثر حماسی - این نوع نثر متعلق به قدیم و به صورت داستان و رمانست و نمونه‌های آن عبارتند از شاهنامه ابومنصوری (مفقود)، شاهنامه ابوعلی بلخی (مفقود)، شاهنامه ابوالمؤید بلخی یا شاهنامه بزرگ یا شاهنامه مؤیدی (مفقود)، اخبار فرامرز، اخبار رستم، اسکندرنامه، دارابنامه طرسوسی^۱ قهرمان‌نامه طرسوسی که مربوط به هوشنگ است، دارابنامه بیغمی^۲ یا فیروزنامه، رامایانا ترجمه عبدالقادر بداونی (اصل آن هندیست)، رزمنامه که ترجمه مهابارتاست (این ترجمه بوسیله عبدالقادر بداونی از اصل هندی صورت گرفته است)، رموز حمزه و حسین کرد. «از قرن ششم به بعد که بر اثر نفوذ اسلام فکر ملی در میان ایرانیان روبه ضعف می‌نهد حماسه‌های دینی منظوم و منثور جای حماسه‌های ملی را می‌گیرد و این داستانهای دینی بیشتر مربوط است به فرقه شیعه که از همه مهمتر داستان حمزه است که اصلاً درباره حمزه بن عبدالله خارجی است که امیرالمؤمنین یعنی خلیفه خوارج خراسان و سیستان بود ولی بعداً بدل به حمزه سیدالشهداء شده است.»^۳

نثر عاشقانه و غنائی - این نوع نثر بیشتر به صورت رمان و داستان و نمایشنامه و حکایت است.

داستانها و رمانهای عشقی و غنائی - علاوه بر داستانهای قهرمانی داستانهای دیگری داریم که به صورت رمان عشقی و غنائی است و عشق و مسائل دیگر غنائی از قبیل درد زندگی و پوچی جهان و یا مسائل اجتماعی را بیان می‌کنند که مهمترین آنها یکی سمک عیار است که در قرن ششم بوسیله فرامرز پسر خداداد ارجانی تألیف شده و دیگر هزار و یکشب است که از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه

۱. این کتاب به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا بوسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است.

۲. این کتاب نیز به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا بوسیله همان بنگاه چاپ شده است.

۳. از گنجینه سخن، ص ۵۳، ۱۳.

گردیده، دیگر بختیارنامه است که در قرن نهم تحریر شده، دیگر بوستان خیالست که در قرن دوازدهم در هند به رشته تحریر درآمده. (برای آگاهی بیشتر از این رمانها به مقدمه گنجینه سخن، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ نگاه کنید).

البته رمانهای ایرانی و اروپائی از لحاظ ساختمان با هم تفاوت دارند و مقایسه این دو نوع اثر با یکدیگر یکی از مباحث دلکش ادبیات مقابله‌ای خواهد بود. داستانها و رمانهای غنائی در زمان ما نیز بوجود آمده‌اند که از آن جمله‌اند: فتنه و سایه دشتی و هما و پریچهر حجازی و زنده‌بگور و بعضی دیگر از آثار هدایت.

حکایات و قصه‌های غنائی نیز در آثار ادبی منشور فارسی اندک نیست از آن جمله است بعضی از حکایات گلستان. بخصوص برخی از آنهایی که در باب پنجم یعنی باب عشق و جوانیست و همچنین است پاره‌ای از حکایات و قصه‌های پرشور و حال صوفیانه در تذکرة الاولیاء و اسرارالتوحید و مانند آنها. اگرچه این حکایات را میتوان از آثار تعلیمی نیز بشمار آورد بخصوص که حکایت در فارسی و بسیاری دیگر از زبانها غالباً برای بیان مسائل تعلیمی بکار می‌رود نه برای تشریح امور غنائی.

نثر ادبی تعلیمی در زبان فارسی - نثر ادبی تعلیمی در فارسی برچند قسم است: ۱ - حکایت ۲ - برخی از نثرهای تاریخی مانند نثر بیهقی ۳ - بعضی از آثار صوفیان مانند خواجه عبدالله و عطار ۴ - نمایشنامه‌های تعلیمی که اخیراً بوجود آمده است ۵ - رمانها و داستانها. و همه این نثرها از لحاظ سبک خود برچند قسمند: ۱ - نثرهای آراسته ۲ - نثرهای ساده ۳ - نثرهای طنزآمیز. ممکن است از تداخل این انواع اقسام دیگری بوجود آید اما باید دانست که سبک آراسته و مصنوع و متکلفانه به قدیم اختصاص دارد و امروز دیگر رایج نیست.

حکایات تعلیمی - حکایات فارسی که بیشتر جنبه تعلیمی دارند و اخلاق و سیاست و تدبیر منزل و حکمت می‌آموزند از آثار ارجمند ادبیات فارسی هستند. این حکایات خود دارای اقسامی هستند: یکم آنهایی که از زبان حیواناتند مانند حکایات کلپله و دمنه و مرزبان نامه و انوار سهیلی، دیگر حکایات طنزآمیز مانند آنچه در آثار عبید می‌بینیم. بعضی از حکایات گلستان نیز با طنز توأمست، سوم حکایاتی که از زبان حیوانات نیستند مانند بسیاری از حکایات گلستان و نگارستان

معین الدین جوینی و بهارستان جامی، چهارم حکایات مفصل که جنبه ادبی آنها کمتر و ارزش تاریخی و واقع نگری آنها بیشتر است مانند آنچه در جوامع الحکایات عوفی می بینم و جنبه تعلیمی باب دوم و سوم (قسم دوم و سوم) این کتاب بیش از ابواب دیگر آنست زیرا درباره «اخلاق حمیده» و «سیر مرضیه» است و قسم سوم «در بیان اخلاق مذموم» است.

بیشتر حکایاتی که از نظر ادبی زیبا و پراچند به نثر آراسته (نه نثر متکلف مانند تاریخ و صاف و تاریخ معجم) نوشته شده اند که حکایات گلستان و کنیله نمونه عالی آن هستند.

حکایاتی که از آنها یاد کردیم از لحاظ دیگر بر سه قسمند: یکی حکایات واقعی که معمولا جنبه تاریخی دارند، دیگر حکایات ساختگی. این نوع حکایات چون زاده نیروی تخیل نویسنده آنهاست اگر خوب بوجود آمده باشند ممکنست ارزش ادبی بیشتری داشته باشند. حکایات حیوانات از این قبیلند. سوم حکایات نیمه تاریخی و نیمه واقعی مانند حکایات مربوط به کشف و کرامت عرفا و مثل بعضی از حکایات چهارمقاله نظامی عروضی که از لحاظ تاریخی ضعیف هستند. پاره ای از این حکایات دارای اصل خارجی اند و جنبه ترجمه دارند مانند حکایات کلیده و دمنه که از سانسکریت به پهلوی و از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی درآمده اند.

کتابهای تعلیمی دیگر که شامل تاریخ و حکایتند عبارتند از: قابوسنامه، سندباد نامه، روضة العقول (قرن ششم)، لطایف الطوائف و رشحات عین الحیوة (از علی بن حسین واعظ کاشفی سبزواری در قرن دهم)، الفرج بعدالشدیه (از حسن بن السعد بن حسین دهستانی نیمه دوم قرن هفتم)، مفرح القلوب در قرن سیزدهم^۲، خلاصه الحکایات از ملک القضاة فیض الله بن زین العابدین بن حسام بنبانی ملقب به صدر جهان (قرن نهم تاریخ نظم و نثر، ص ۲۴۲)، فاکهة الخلفاء و مفاکهة الطرفا (از عربشاه عجمی قرن نهم) (به تقلید از مرزبان نامه^۳)، نگارستان از معین الدین

۱. نام بعضی از کتابهایی که در چند سطر بعد آمده است از کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران» اثر سعید نفیسی گرفته شده است.
۲. تاریخ نظم و نثر، ص ۲۴۲، ج ۱.
۳. همان کتاب، ص ۲۷۹.

جوینی^۱، نگارستان از قاضی احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری (قرن دهم^۲).
 نثرهای طنزآمیز- مقدمه باید گفت که بین طنز از طرفی و هجو و هزل
 از طرف دیگر دو فرق اساسی وجود دارد یکی اینکه: طنز غالباً جنبه اجتماعی و
 انتقادی و اخلاقی دارد در حالی که هزل و هجو جنبه شخصی و غیر اخلاقی دارند
 و به منظور برآوردن تمایلات و منافع فردی بوجود می‌آیند. دیگر اینکه شیوه بیان
 در طنز ملایمست و رکیک و خشن نیست در حالی که در هجو و هزل عکس
 آنست.^۳

با این مقدمه طنز به معنای واقعی آن در ادبیات قدیم ما فراوان نیست جز
 در بعضی آثار حافظ، سعدی، مولوی و عطار و عبید و برخی دیگر زیرا آنجا که سخن
 نویسندگان قدیم جنبه انتقادی و اجتماعی دارد و به هزل نزدیک می‌شود و بیان
 خالی از رکاکت و هتاک و درشتی نیست مانند پاره‌ای از سخنان عبید، بنابراین
 بعضی از آثار عبید و برخی از نویسندگان و شاعران فارسی از لحاظ محتوی و موضوع
 طنز است در حالی که از نظر صورت به هجو و هزل نزدیکست زیرا الفاظ رکیک
 و بی ادبانه و غیرطنزی نیز دارد.

طنز در نثر فارسی بیشتر از شعر است در حالی که هجو و هزل در شعر بیش از
 نثر است. آثار طنزآمیز منشور فارسی بردو دسته‌اند یکی آثار طنزآمیز کامل مانند نوشته‌های
 عبید (اخلاق الاشراف، ده فصل، دلگشا، صدپند، تعریفات و ریشنامه) و آثار منسوب
 به ملانصرالدین و همچنین رستم التواریخ از رستم الحکما (از آثار اوایل قرن سیزدهم).
 دیگر آثاری که گاهی دارای بیانی طنزآمیز هستند مانند راحة الصدور راوندی و
 تاریخ و صاف که در اولی انتقادهائی از سپاهیان خوارزمشاه دیده می‌شود و در دومی
 ایراد شدیدی به حکومت ایلخانان و مظالم آنان به چشم می‌خورد و یا قسمتی از
 کلیات سعدی که موسومست به هزلیات که پراست، از شوخیها و طنزها و طعنه‌ها و
 تعریضهای تند از اوضاع زمانه و مردم آن و یا گلستان سعدی و پریشان‌قآنی که
 بعضی از حکایات آن طنزآلود است.
 طنز در دوران مشروطیت پیشرفت بسیار کرد زیرا رواج آزادیخواهی و مردم-

۱. همان کتاب، ص ۱۶۳.

۲. همان کتاب، ص ۳۵۴.

۳. طنز گاهی هم جنبه اجتماعی ندارد. به کتاب Satire تألیف M. Hodgart چاپ ۱۹۷۳
 نگاه کنید.

سالاری (دمکراسی) و مبارزه با استبداد موجب جهش بزرگی در این نوع نثر گردید که مایه اصلی آن انتقاد از اوضاع اجتماعی و حکومت است. و ضمناً باید یادآور شد که در همین دوره است که طنز واقعی یعنی طنزی که هم جنبه اجتماعی دارد و هم باعفت بیان توأمست بوجود آمد.

دهخدا را باید از پیشروان این شیوه در دوران جدید دانست زیرا مقالات او بنام «چرند و پرند» راه تازه‌ای در طنز به روی مردم این زمانه گشود و قبل از او کسانی مانند میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف نیز شیوه‌ای طنزآلود بکار برده‌اند. روزنامه‌های فکاهی مانند ریحان و نسیم شمال و ناهید و باباشمل و توفیق در رواج این شیوه نقش بسزائی داشتند.

این شیوه امروز در حال پیشرفت است و یکی از جلوه‌های امیدبخش ادبیات معاصر است و با توجه به کمبودی که ما از این لحاظ در گذشته داشته‌ایم پیدا شدن طنزنویسان خوب در این دوره نویدافزا و غرورآفرین است که متأسفانه قدر آن شناخته نشده و با توطئه سکوت روبرو گردیده است، بخصوص در شعر. در عصر حاضر گاهی طنز در نمایشنامه‌ها تجلی می‌کند و به‌عنوان شیوه بیان این نوع آثار درمی‌آید و نمایشنامه‌کمدی یا شبه کمدی بوجود می‌آورد. گاهی نیز طنز با داستان کوتاه توأم می‌شود مانند یکی بود و یکی نبود جمال زاده و آب زندگی و بسیاری دیگر از داستانهای کوتاه صادق هدایت.

نمایشنامه‌های تعلیمی و انتقادی یکی دیگر از اقسام نثرهای تعلیمی و انتقادیست که در قدیم وجود نداشته و از قرن سیزدهم به بعد رایج شده است و امروز عده‌ای به این کار پرداخته‌اند که جای خشنودیست ولی اظهار نظر درباره ارزش این آثار به گذشت زمان بیشتری نیاز دارد.

نثر ادبی تعلیمی صوفیانه نیز یکی از اقسام نثرهای تعلیمی است که نمونه آن نوشته‌های خواجه عبدالله و تذکرة الاولیاء عطار و اسرارالتوحید است. بسیاری از حکایات گلستان بخصوص آنهایی که در باب دومند (اخلاق درویشان) نیز جنبه عرفانی دارند و می‌توانند از این دسته بشمار آیند.

نثر ادبی صوفیانه در بسیاری از موارد موزون و آهنگین است. نثر بعضی از تواریخ مانند نثر تاریخ بیهقی نیز گاهی ادیبست مانند «شرح بردار کردن حسنک وزیر».

بسیاری از داستانها و داستانهای معاصر نیز جنبه تعلیمی دارند. از این قبیلند شوهر آهوخانم از علی محمد افغانی و آب زندگی و سگ ولگرد و حاجی آقا از صادق هدایت.

ضمناً باید دانست که ارزش ادبی آثار منثوری که نامشان آمد یکسان نیست و برای تعیین ارزش رمانها، نمایشنامه‌ها، آثار طنزآمیز و حکایات فارسی باید تحقیق وسیعی بعمل آورد تا روشن گردد مثلاً اختلاف سطح سمک عیار و دارابنامه و حسین کرد و امیر ارسلان تا چه میزانست و یا تفاوت کارهای صادق هدایت با آل احمد و دیگران تا چه حد است.

اینقدر هست که برای سنجش داستانها و حکایات قدیم و همچنین برای ارزیابی نمایشنامه‌ها و رمانها و داستانهای جدید که به تقلید از غرب نوشته شده‌اند معیار دقیقی بوجود نیامده است. زیرا این داستانها اولاً باید با معیارهای اروپائی سنجیده شوند و ما متخصصی در این زمینه نداریم. ثانیاً باید میزانهای ملی و ایرانی که خاص این آثار است نیز بدست آید که البته چنین میزانهایی هم تاکنون بوجود نیامده است.

بنابراین وقتی سخن از اسکندرنامه و طوطی‌نامه و حسین کرد و دارابنامه و غیره به میان می‌آوریم غرض این نیست که آنها را جزء شاهکارهای مسلم حماسی و عشقی و غنائی ایران بشماریم بلکه تنها مراد ما توجه به بررسی چنین آثار است و چه بسا بسیاری از این نوشته‌ها اصلاً ارزش ادبی نداشته باشند و حماسه و رمان به معنی واقعی نباشند.